

درآمدی بر شناسایی نگرش‌های بارز فرهنگی در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مکتوب فارسی^۱

ناهید مؤید حکمت*

چکیده

مطالعه نگرش‌های فرهنگی موجب دل‌مشغولی آن‌دسته از محققانی است که بعد فرهنگی را در مطالعات اجتماعی مهم قلمداد می‌کنند. در این راستا، نوشتار حاضر قصد پاسخ‌گویی به این پرسش را دارد که بعد نگرشی غالب در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مکتوب فارسی چیست؟ به بیان دیگر، کدام‌یک از ابعاد سه‌گانه شناختی، رفتاری یا عاطفی نگرش، در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی مذکور، بازتاب بیش‌تری دارد؟ بدین ترتیب، تمرکز بر ابعاد نگرشی مثل‌هایی که امروزه اشخاص در گروه‌های سنی، جنسی، و قومی متفاوت به کار می‌برند هدف نیست؛ هرچند این امر، خود، می‌تواند موضوع تحقیق جداگانه‌ای باشد. در این پژوهش، از روش کمی و تحلیل محتوا، که از متداول‌ترین شیوه‌های گردآوری اطلاعات برای تحلیل ارزشی و نگرشی در حوزه ادبیات مکتوب است، استفاده شده است. پژوهش مزبور از نوع اکتشافی است و فرضیه‌ای را به آزمون نمی‌گذارد. با توجه به موارد مذکور، می‌توان گفت که یافته‌های این پژوهش، که ادعای تعمیم آن‌ها وجود ندارد، حاکی از آن است که بعد عاطفی نگرش با ۷۵/۲۴ درصد بر دو بعد شناختی (۱۷/۱۴ درصد) و رفتاری (۷/۶۲ درصد) در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی بررسی شده، برتری چشم‌گیری دارد.

کلیدواژه‌ها: نگرش و ابعاد سه‌گانه آن، گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی مکتوب، کاربرد تحلیل محتوا.

* استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی nahid@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۵

مقدمه

مطالعه عناصر فرهنگی همواره موجب دل‌مشغولی آن‌دسته از اندیشمندان بوده است که بعد فرهنگی را در مطالعات اجتماعی مهم قلمداد می‌کنند. اگر، از میان تعریف‌های ارائه‌شده از فرهنگ، این تعریف پذیرفته شود که فرهنگ طرح یا نقشه زندگی است (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۴۴۶-۴۴۷) که از عناصر مادی و غیرمادی تشکیل شده است (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۵۶)، اهمیت بررسی نگرش‌ها به‌مثابه یکی از عناصر مهم غیر مادی فرهنگ (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۲-۶۳؛ Calhoun et al., 1994: 27) بر ما روشن می‌شود. هم‌چنین اگر بپذیریم بخشی از مطالعات درباره خصوصیات بارز فرهنگی را می‌توان در متون مکتوب از جمله داستان‌ها، اشعار، و مثل‌ها انجام داد، مطالعه حاضر نیز در این چهارچوب توجیه می‌شود.

درباره نگرش‌ها، می‌توان گفت که غالب اندیشمندان آن‌ها را انعکاس‌پسندها و بیزاری‌های افراد، در سه بعد متفاوت شناختی، رفتاری، و عاطفی، تحلیل کرده‌اند (Scott & Marshall, 2005: 25-26؛ اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۰: ۳۶۴؛ ربر، ۱۳۹۰: ۸۲).

درباره مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی نیز مراد عباراتی است که غالباً به‌لحاظ تأکید، در موقعیتی خاص، گوینده آن را به‌کار می‌برد تا نظر خوشایند یا ناخوشایند خود را به مخاطب انتقال دهد.

در این پژوهش، نگرش‌ها در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مکتوب فارسی سنجیده شده‌اند. تحقیقات موجود درباره این موضوع بسیار اندک‌اند و پژوهش‌های انجام‌شده بیش‌تر به سنجش نگرش‌ها اختصاص دارند. از جمله می‌توان به تحقیق‌های علی اسدی درباره شناخت نگرش‌های اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی در ایران (اسدی، ۱۳۵۳)، منوچهر محسنی درخصوص بررسی آگاهی‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی (محسنی، ۱۳۷۹) و پژوهش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱) و طرح بررسی نقش عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه ایران (محمدی و همکاران، ۱۳۸۱) اشاره کرد. در این باره می‌توان گفت پژوهشی متمرکز بر ابعاد نگرشی تاکنون ملاحظه نشده است.^۱ از این‌رو، ارائه مقاله حاضر برگرفته از بعد نگرشی پژوهش انجام‌شده در حوزه «ارزش‌ها و نگرش‌های نهفته در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی» توجیه می‌شود. این مقاله قصد دارد به این سؤال محوری پاسخ دهد که ابعاد نگرشی غالب در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مکتوب فارسی کدام‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق کمی و شیوه گردآوری اطلاعات تحلیل محتواست. این شیوه به دو علت اساسی برای موضوع مورد نظر برگزیده شد. نخست آن که یکی از رایج‌ترین شیوه‌ها برای تحلیل آثار ادبی است و دوم این که یکی از شیوه‌های پژوهشی علوم اجتماعی است که شناخت داده‌ها، به مثابه پدیده‌ای نمادین، را در نظر دارد (کرپندروف، ۱۳۸۸: ۷).

در این نوشتار، توجه به عناصر فرهنگی، به مفهوم کوچک‌ترین واحد فرهنگ (کوئن، ۱۳۸۷: ۷۸)، و به ویژه بررسی نگرش‌ها در حوزه ادبیات مورد نظر است. در این باره، از جمله می‌توان به تحقیقات مک‌لند (Maclelland, 1963) در زمینه ارزش‌های نهفته در ادبیات داستانی؛ هافستد (Hofstede, 2001) در زمینه تنوع فرهنگی در بررسی شخصیت‌های ملی؛ و رونالد اینگلهارت (Inglehart, 2005) در خصوص اهمیت ارزش‌ها در دگرگونی اجتماعی اشاره کرد. اغلب اندیشمندان در این امر متفق‌القول‌اند که تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی برای توصیف عینی منظم و کمی محتوای پیام است (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۳).

در این پژوهش، حجم نمونه ۲۲۷۱ مثل و تعبیر کنایی است که در کتاب *گزیده امثال و حکم دبیرسیاقی* (۱۳۵۸) گردآوری شده و براساس ضریب خطای کم‌تر از سه درصد محاسبه شده است.^۳ همچنین با مراجعه به مجموعه چهارجلدی *امثال و حکم دهخدا* (۱۳۵۲)، *فرهنگ عوام امینی* (۱۳۵۰)، *قند و نمک جعفر شهری* (۱۳۷۰)، *فرهنگ فارسی عامیانه نجفی* (۱۳۸۷)، و کتاب *کوچه احمد شاملو* (۱۳۵۷)، مثل‌های همانند استخراج شده‌اند. مراجعه هم‌زمان به این آثار، هنگام استخراج، کمک کرد تا بهتر بتوان واحد تحلیل و شمارش یعنی محتوای مثل‌ها و تعبیرهای کنایی را از نظر ساختار نگارشی دریافت. بدون شک، گروه تحقیق منابع استخراج خود را پس از رایزنی‌های علمی نزد صاحب‌نظران انتخاب کرده است اما هرگز ادعا ندارد که این منابع دربرگیرنده تمامی منابع در این زمینه است؛ هرچند سعی شده است در حد امکان به اساسی‌ترین آن‌ها ارجاع شود.

هم‌چنین، در پژوهش حاضر، از مقوله‌های معیاری که تاکنون در تحلیل محتوا پیشنهاد شده است استفاده نشده و، با حرکت از محتوای مثل‌ها، ابعاد سه‌گانه نگرشی (شامل شناختی، عاطفی، و رفتاری) جست‌وجو شده است؛ برای نمونه، در مثل «آب و آتش جمع نمی‌شوند» به معنای لغوی واژه‌های آب و آتش اکتفا نشده است بلکه، براساس محتوای مثل، پس از مشورت در گروه تحقیق و تأیید مشاوران علمی، آن مثل در بعد شناختی

طبقه‌بندی شده؛ زیرا پیام غالب در آن در خصوص ویژگی این دو عنصر است. در مورد دو بعد دیگر نگرش یعنی ابعاد رفتاری و عاطفی نیز به همین ترتیب عمل شده است. در پژوهش مزبور، تحلیل نتایج براساس فراوانی‌ها صورت گرفته است. واحد تحلیل و واحد شمارش یکسان بوده که محتوای نگرشی هر مثل یا تعبیر کنایی است. هم‌چنین تحلیل محتوا با هدف اکتشافی انجام شده؛ بدین معنا که از قبل فرضیه‌ای برای آزمون در نظر گرفته نشده است. افزون بر این، پردازش داده‌ها از طریق برنامه SPSS صورت گرفته است.^۴

ارائه و تحلیل نتایج

انسان در فرایند زندگی خود، با پدیده‌های گوناگونی در تماس است که در برابر آن‌ها شناخت، عواطف، و نیز نوعی آمادگی رفتاری معین دارد. ترکیب این سه عنصر را نگرش شخص به آن پدیده می‌گویند (قنادان و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۹). با توجه به تعریف مزبور، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که بعد عاطفی نگرش در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی مکتوب مورد استناد، با ۷۵/۲۴ درصد، غالب‌ترین بُعد و بُعد رفتاری، با ۷/۶۲ درصد، کم‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است. بعد شناختی نیز فقط ۱۷/۱۴ درصد را دربر می‌گیرد.^۵ در پژوهش حاضر، منظور از بُعد عاطفی، که ۷۵/۲۴ درصد را در پژوهش حاضر به خود اختصاص داده است، بیان نوعی احساس خوشایند یا ناخوشایند در مورد فرد، گفتار یا عملی خاص است. این بعد بیان عواطف منفی یا مثبت از جمله امیدواری، ناامیدی، افراط و تفریط، تنفر، تهدید یا توصیه به حدشناسی را دربر می‌گیرد. بعد عاطفی، در این پژوهش، با استناد به نظریه اریک برن در تحلیل ایزدی (۱۳۸۲: ۱۸۲) براساس شخصیت والد و کودک به دنبال اجماع نظر در گروه تحقیق و داوران علمی ثبت شده است. در این باره می‌توان گفت اریک برن بر این نظر است که، براساس مکانیزم مراودات بین افراد در دادوستدها، سه جنبه شخصیت والد (parenthood)، کودک (childhood)، و بالغ (adulthood)^۶ خصوصیات انسان را تشکیل می‌دهند. شخصیت والد حالتی است که شخص احساس می‌کند از همه بالاتر، قوی‌تر، و عاقل‌تر است؛ یک پارچه احساسات است و عاشق شعارهای مهیج و هر نوع برتری است. بدین ترتیب، این وجه در زورگویی، تحقیر و تهدید متجلی است. نمود این وجه در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی زیر بازتاب دارد:

- این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست (تهدید).
- مگر پشت گوشت را ببینی (تهدید).
- پایت را به قدر گلیمت دراز کن (تحکم).
- به گوش خر یاسین خواندن (تحقیر).
- سال به سال دریغ از پارسال (افسوس).
- سقف آسمان سوراخ شده همین یکی افتاده (تمسخر).
- در دیزی بازه حیای گربه کجا رفته (حدشناسی).
- دُم درآورده (حدشناسی).

شخصیت کودک حالتی است که شخص تحت تأثیر احساساتش باشد و عصیان زدگی منطقی و استدلال را از او دور کند. شخصیت کودک عجول، سلطه‌پذیر، هیجان‌زده، عاجز، و ارباب‌طلب است.

نمود این شخصیت در امثال زیر بازتاب دارد:

- با ما به از این باش (عجز).
- بامی از بام ما کوتاه‌تر ندیدی؟ (عجز).
- با یه غوره سردیش می‌کنه با یه مویز گرمیش (افراط و تفریط).
- بزَن بر طبل بی‌عاری که خود عالمی دارد (بی‌خیالی).
- سنگ کسی را به سینه زدن (شعارگرایی).
- دل به دریا زدن (هیجان‌زدگی).

در پژوهش حاضر، بعد شناختی، با ۱۷/۱۴ درصد، پس از بُعد عاطفی و در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. این بعد، که به مفهوم تأکید بر ویژگی‌ها، اطلاعات، و کیفیت موضوعی است، در امثال زیر بازتاب دارد:

- مال دنیا به دنیا می‌ماند (اطلاعات).
- بار کج به منزل نمی‌رسد (آگاهی).
- دو دو تا چهار تا (ویژگی).
- آب و آتش جمع نمی‌شوند (ویژگی).
- آب آبادانی است (ویژگی).
- آفتاب را به گل نتوان اندود (ویژگی).

- دنیا هزار رو دارد (ویژگی).
- درد خروار می‌آید متقال می‌رود (ویژگی).
- درنهایت، بعد رفتاری با اختصاص ۷/۶۲ درصد و به مفهوم آمادگی فرد برای انجام‌دادن رفتاری مطرح می‌شود. این بعد در امثال زیر بازتاب دارد:
 - دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما می‌کاریم تا دیگران بخورند (تشویق به عمل).
 - دنیا را آب ببرد، کچله را خواب می‌برد (نفی تن‌پروری).
 - عمو یادگار، خوابی یا بیدار؟ (نفی بی‌خیالی).
 - تنبل نرو به سایه، سایه خودش می‌آیه (نفی تنبلی).
 - با یه غوره سردیش می‌کند با یه مویز گرمیش (نفی افراط و تفریط).
 - نه به آن شوری شور نه به آن بی‌نمکی (نفی افراط و تفریط).
- در تحلیل نتایج پژوهش در مقاله حاضر، توجه خاص بر بالابودن بعد عاطفی معطوف می‌شود؛ زیرا تحلیل پایین‌بودن بعد رفتاری و بعد شناختی، از جمله توصیه به خردگرایی و سخت‌کوشی، در مقاله‌ای درخصوص ارزش‌های غالب در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی ارائه شده است.^۷
- نظریه‌پردازان متعدد، از جمله مورخان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، و زبان‌شناسان، هریک به‌نوعی به تفسیر این ویژگی در میان ایرانیان پرداخته‌اند. دسته‌ای، بیش‌تر بر عوامل درونی و دسته‌ای دیگر بر عوامل بیرونی تأکید ورزیده‌اند.
- در میان تحقیقاتی که بر عوامل درونی تأکید دارند، عمده‌ترین آن‌ها تحقیق ایزدی (همان: ۲۰) است که، با بهره‌گیری از نظریهٔ اریک برن، علت عاطفی بودن ایرانیان را بر مبنای دو گونه شخصیت والد و کودک و نبود شخصیت بالغ در آن‌ها تحلیل می‌کند. افزون‌براین، ایزدی بر آن است که فرایند زورگویی و زورشنوی در میان ایرانیان رواج دارد؛ به گونه‌ای که «شاه از فرنگی زور می‌شنود و به نخست‌وزیر زور می‌گوید»، «نخست‌وزیر از شاه زور می‌شنود و به وزرایش زور می‌گوید».
- نراقی (۱۳۸۰: ۹۲-۹۳) نیز در *جامعه‌شناسی خودمانی* چنین گفته است: «ما ایرانی‌ها مردمی هستیم که در اکثر موارد احساساتمان در انتخاب مسیرمان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند».
- ویلیام هس، روان‌شناس امریکایی، نیز در مقاله خود با عنوان «روان‌شناسی ایرانیان» چنین می‌آورد که، در آسیا، ابعاد هیجانانگیز و عواطف افراطی است.

اسلامی ندوشن (۱۳۷۱: ۴۲-۴۶) نیز بر این نظر است که ایرانی سلطه‌پذیر است. او علت این سلطه‌پذیری را در موقعیت جغرافیایی و تاریخی ایران می‌داند. از نظر او «مردم سرزمین وسیع و پراکنده ایران برای حفظ امنیت خود در مقابل هجوم بیگانه بر گرد یک فرد مقتدر جمع می‌شوند و به‌مرور این فرد مقتدر تشکیل سلسله‌ای استبدادی را می‌دهد ... ایرانی، به‌علت شکست‌های پیاپی، جوشش ملی و اعتماد به‌نفس خود را از دست داده و همواره از چیزی ترسیده است».

بیمن (۱۳۸۱) به مفهوم «خرکردن» اشاره می‌کند که از دیدگاه ایزدی (۱۳۸۲: ۳۳۴-۳۳۵) نوعی چاپلوسی است که در انقیاد شخصیت کودک تجلی می‌یابد. او در این زمینه می‌گوید:

... اگر از حاجی محمد، یکی از مالکان ثروت‌مند روستا، چیزی بخواهم نزد او می‌روم و بعد از سلام و تعارف می‌گویم: "جناب حاجی، بزرگ همه ما هستید و ما بدون شما نمی‌توانیم زندگی کنیم. اگر در توانایی‌تان است و زحمتی نیست، لطفاً فلان کار را انجام دهید." و اگر او خر شود، آن کار را انجام می‌دهد.

هم‌چنین بیمن (۱۳۸۱) در اثر خود، با عنوان *زبان منزلت و قدرت در ایران*، تفسیری از فرایند «رودادن» را ارائه می‌دهد که آن را می‌توان علت حضور شخصیت والد از یک سو و شخصیت کودک از سوی دیگر تفسیر کرد.

در خصوص تحقیقاتی که عوامل بیرونی را تعیین‌کننده می‌دانند، می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد: جمال‌زاده ۱۳۴۵، زیباکلام ۱۳۷۳، علمداری ۱۳۷۹، محمدی و همکاران ۱۳۸۱، لرنر ۱۹۶۵، رضاقلی ۱۳۷۷ درباره نخبه‌کشی در جامعه ایران، قاضی‌مرادی ۱۳۷۸ درباره خودمداری، قانع‌راد ۱۳۸۱ درباره علل توسعه‌نیافتگی ایران با تأکید بر فردگرایی ایرانی، چلبی ۱۳۸۱ درباره نظام شخصیت در ایران، رفیع‌پور ۱۳۸۱، منصوری ۱۳۸۲ درباره موانع رشد علمی، سریع‌القلم ۱۳۸۶ درباره فرهنگ سیاسی بی‌قاعده ایرانیان، فولر ۱۳۷۳، و کاتوزیان ۱۳۸۴.

چلبی (۱۳۸۱: ۶۹) نیز در تحقیق خود به احساسی بودن و افراط‌گرایی ایرانیان اشاره می‌کند و می‌آورد: «احساساتی بودن از خصایل شخصیتی ایرانی از منظر مستشرقان غربی، عربی و اسلامی و ایرانی قلمداد شده است».

محمدی (۱۳۸۱) نیز در مقاله‌ای انتشارنیافته با عنوان «نگاهی بیرونی به دوگانگی شخصیت ایرانیان»، به‌ویژه، به افراط و تفریط در میان ایرانیان اشاره می‌کند و می‌گوید که ایرانیان نه مدرن‌اند و نه سنتی بلکه ترکیبی از خصوصیات و نگرش‌های متضاد را در خود دارند.

دانیل لرنر نیز، در اثری با عنوان *گذار از جامعه سنتی*، افراط‌گرایی را عمده‌ترین ویژگی شخصیتی ایرانیان ارزیابی می‌کند (Lerner, 1965: 227).

مفسران این احساس را ناشی از تصرف درازمدت ایران می‌دانند که با اسکندر کبیر آغاز و سپس با تصرف به دست اعراب در اوایل دوران اسلامی، چنگیز خان و تیمور، سپاهان نیرومند ترک سلجوقی، اشغال کشور به دست افغان‌ها، و سرانجام سلطه بریتانیا و روسیه و حتی اشغال ایران دنبال شده است. این فاتحان و بسیاری مهاجمان دیگر، طی دوره‌های طولانی، زمام امور ایران را به دست گرفته و آسیب‌های روانی شدیدی بر ملت وارد کرده‌اند (فولر، ۱۳۷۳: ۲۱-۲۲). به گونه‌ای که با استناد به کاتوزیان (۱۳۸۴: ۱۸) می‌توان گفت که پدرکشی، پسرکشی، برادرکشی، و خواهرکشی در دربارهای ایران امری عادی بود. گذشته از این، قتل، کورکردن، و محصورکردن شاهزادگان در اقامت‌گاه زنان (حرم یا اندرون) از شیوه‌های مورد علاقه صفویان بود ... از حکایات سربه‌نیست شدن، طومار بلندی موجود است. مهم‌تر آن‌که هنگامی که این افراد اعم از شاهزاده، وزیر یا سردار مورد خشم و سوءظن قرار می‌گرفتند، نه دادرسی‌ای در کار بود، نه محاکمه‌ای، نه دفاعی، و نه قانونی. ناخرسندی، بدگمانی، و خشم شاه برای نابودی هر کسی کفایت می‌کرد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت حضور نظام استبدادی و ترس همیشگی از مورد خشم و سوءظن قرارگرفتن مکرراً موجب احساس ناامنی و رفتارهای غالباً عاطفی شده است. حدود ۱۲۰۰ جنگ بزرگ و هزاران جنگ منطقه‌ای و محلی در تاریخ ایران رخ داده است و الگوی زیست غالباً، به علت پرحادثه بودن شرایط زیست، انسان کوچنده بوده است (پیران، ۱۳۸۵؛ فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۲).

جان فوران (۱۳۷۷: ۲۳۸) نیز در *مقاومت شکننده* می‌آورد که در دوره قاجار فقط در ۴۱ سال اول سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۲۷-۱۲۶۷) حدود ۱۶۹ شورش و ناآرامی به وقوع پیوسته است.

در مشروطه نیز، از ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۰ شمسی، بیش از ۵۰ بار تغییر در دولت رخ می‌دهد. از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ نیز ۱۹ دولت جابه‌جا می‌شود؛ یعنی به‌طور میانگین هر دولت فقط اندکی بیش از نیم سال (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۳).

فراستخواه (۱۳۹۰ و ۱۳۸۹) هم چنین بر این نظر است که میل به ناپایداری و ناامنی در ایران به صورت امری نهادمند درآمده است و بر فرهنگ و خلق و خوی ایرانی سایه انداخته و شرایط بغرنجی پدید آورده که در آن رفتارهای خاصی، مانند دروغ، تملق، چندگانگی،

زرنگی، پنهان‌کاری، و بی‌اعتمادی، در میان طیف‌های جالب توجهی از جامعه شیوع پیدا کرده است. او با پیشنهاد چرخه نهاد/عامل/محیط/رویدادها به تحلیل نیم‌رخ فرهنگی ایرانی می‌پردازد و در بعد عامل انسانی به کشمکش نخبگان، قهرکردن، پنهان‌کاری، سرمایه اجتماعی پایین، بی‌اعتمادی، بدبینی، و ترس از دسیسه اشاره می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، به بحث در این باره پرداخته شد که پسندها و بیزاری‌های منعکس در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی در کدام یک از ابعاد سه‌گانه نگرش - یعنی بعد شناختی، بعد رفتاری، و بعد عاطفی - انعکاس دارند.

در خصوص غالب بودن بعد عاطفی در ابعاد نگرشی، با ۷۵/۲۴ درصد، بر دو بعد دیگر شناختی (۱۷/۱۴ درصد) و رفتاری (۷/۶۲ درصد)، می‌توان گفت تحلیل‌های موجود، چه آن دسته که عامل درونی را به کار می‌برند و چه آن دسته از اندیشمندانی که به عامل بیرونی در خصوص ویژگی‌های شخصیتی ایرانیان استناد می‌کنند، بر وجه عاطفی بودن ایرانیان تأکید می‌ورزند. آنان احساس ناامنی در میان ایرانیان را از جمله عمده‌ترین علل عاطفی بودن قلمداد می‌کنند.

این نگاه به ایران در بیش‌تر تحقیقات انجام‌شده، به‌ویژه از سوی غربیان نیز، به چشم می‌خورد. از جمله آزادارمکی (۱۳۸۳) در بررسی علم و مدرنیت ایرانی، به ارائه چهار نمونه از آثار تأثیرگذار خارجی در زمینه ویژگی ایرانیان می‌پردازد. متسکیو، فیلسوف اجتماعی؛ شاردن، سیاح و سیاست‌مدار؛ موریه، سیاح؛ و ادوارد براون، ادیب و مورخ در آثار خود به نوعی آشننگی نزد ایرانیان اشاره دارند.

هم‌چنین در بیش از ۲۰۰ سفرنامه شرقی، که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم درباره ایرانیان نگاشته شده است، نگاه چندان متفاوتی به ایرانیان به چشم نمی‌خورد (آندری یوا، ۱۳۸۸).

هدف ما در این‌جا قضاوت ارزشی در خصوص این موارد نیست. سعی بر این است که از هرگونه سوگیری، چه شرق‌شناسانه و چه شرق‌گرایانه، به دور باشیم. در مورد نخست، به نقدهای ادوارد سعید در خصوص بینش غرب به شرق استناد می‌کنیم. از نظر او، غرب، غرض‌ورزانه، شرق را جهانی از احساسات (sensuality) و انفعال (passivity) و انحطاط (degeneracy) می‌داند (Said, 1978؛ فراستخواه ۱۳۸۹: ۷). مورد دوم یعنی نگرش

شرق‌گرایانه به معنای این است که چشم خود را به روی خصوصیتی که در تحقیقات متعدد به دست آمده است ببندیم؛ به صرف آن که ممکن است شرق‌شناسی از منظر دیگری و در تحقیق دیگری همان نظر را ارائه کرده باشد و مبادا هم‌خوانی‌هایی دیده شود. افزون بر این، بدون آن که منکر تفاوت‌های فرهنگی در گروه‌های گوناگون شویم، وجود این گونه موارد ما را به اهمیت توجه به تحقیقاتی در خصوص منش ایرانیان معطوف می‌دارد. پژوهش‌گران از منظرهای متفاوتی، «منش ملی» (national character) را در مفهوم شخصیت بنیادین و الگوی مرکبی از کل ویژگی‌های شخصیتی یک ملت (کوئن، ۱۳۸۷: ۱۲۴) یا در غالب ویژگی‌های عام فرهنگی تحلیل کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۳). برخی اندیشمندان نیز، بررسی «خصایص ملی» را ترجیح می‌دهند (اتوکلاین‌برگ، ۲۵۳۵). این امر از این منظر اهمیت دارد که چنانچه منش ملی درست درک شود می‌توان پیش‌بینی کرد که اعضای یک جامعه چگونه در برابر موقعیت‌های گوناگون واکنش خواهند داشت. از این رو، انجام دادن تحقیقاتی از این دست اهمیت می‌یابند؛ زیرا نگرش‌ها، از یک‌سو، به‌عنوان واکنش به جهان اطراف و، از سوی دیگر، امکان ابراز ارزش‌ها و باورهای اصلی افراد اهمیت خاصی دارند. به‌ویژه آن‌که می‌توان گفت جای تحقیقاتی نسبتاً جامع در خصوص منش ملی ایرانیان مانند تحقیقات روت بندیکت در خصوص ژاپن، یا تحقیقات گرر در خصوص انگلیس و یا تحقیقات انکلس در خصوص روس‌ها، در کشور ایران خالی دیده می‌شود.

پی‌نوشت

۱. نوشته حاضر بر ارائه بخش نگرشی یافته‌های پژوهش «درآمدی بر شناسایی ارزش‌های بارز فرهنگی در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی» مبتنی است. پژوهش مزبور، در مهرماه ۱۳۸۲، در پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پایان رسید. این پژوهش در سه بعد ارزشی، نگرشی، و ادبی به بررسی گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی مکتوب فارسی پرداخته است. شایان ذکر است که در این پژوهش از رهنمودهای ارزنده و مستمر استاد احمد سمیعی گیلانی، مشاور علمی کل طرح، و هم‌چنین دکتر یوسف کریمی، مشاور در بخش نگرش، و دکتر محمد شادرو، مشاور در بخش روش تحقیق، بهره گرفته شده است. بخش نگرشی این پژوهش با همکاری سرکار خانم فرشته میرخشتی انجام شده است که مراتب قدردانی به حضور ایشان و هم‌چنین مراتب سپاس نسبت به سایر همکاران این پژوهش ابراز می‌شود.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق حاکی از آن است که رساله‌های تحقیقاتی نگاشته شده تاکنون نیز بیش‌تر جنبه نگرش‌سنجی داشته‌اند (خوش‌چهره، ۱۳۷۳؛ زارع، ۱۳۸۴). در خصوص طرح‌های تحقیقاتی هم همین امر به چشم می‌خورد.
۳. با استناد به میانگین حداقل ۶۵ (سهیلی، ۱۳۴۹) و حداکثر ۶۰۰۰ (دهخدا، ۱۳۵۲) مثل فارسی گردآوری شده در زمان پژوهش و براساس جدول نمونه‌گیری (Sudman, 1982) اگر ۹۳۸ مثل برای نمونه اختیار می‌شد ضریب خطا سه درصد می‌شد.
۴. در واقع، سعی شده است، با بهره‌گیری از شیوه‌های مزبور، اعتبار (validity) و پایایی (reliability) پژوهش بالا رود؛ البته اعتبار تحقیق مزبور به مفهوم سنجش موضوع با بهره‌گیری از مقوله‌های غیراستاندارد تا حدود زیادی تأمین می‌شود. اما نظر به این‌که از مقولات غیراستاندارد بهره گرفته شده، امید است پایایی نیز در سطحی تحقق یابد که در نمونه و شرایط مفروض، در پژوهشی دیگر، نتیجه‌ای تاحد امکان مشابه به دست آید.
۵. شایان ذکر است که وقتی از بعد نگرشی غالب سخن به میان می‌آوریم مرادمان این است که، در مثل یا تعبیر کنایی مورد نظر، وجه غالب و وجه عاطفی، رفتاری یا شناختی بوده است. بدین ترتیب، وجه غالب ابتدا پس از بحث و تبادل نظر در گروه تحقیق تعیین شده و پس از تأیید نهایی توسط مشاوران علمی انتخاب شده است.
۶. شخصیت بالغ، براساس نظریه ایزدی (برگرفته از اریک برن)، بر اصل استدلال، منطق و احترام متقابل استوار است. گوش دادن با دقت از زمره خصوصیات بارز آن است. این شخصیت برای فرد مسئولیت را قبول دارد و مخالف خودبزرگ‌بینی، بت‌پرستی، شعار، و ارباب‌طلبی است.
۷. در خصوص پایین بودن بعد شناختی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی می‌توان گفت نتایج به دست آمده از بخش ارزشی پژوهش مزبور حاکی از توصیه به خردمندی با ۴۰/۹ درصد، قید اخلاقی ۳۳/۵۵ درصد، و سخت‌کوشی ۱۱/۱ درصد نیز در راستای تأیید نتایج تحقیق در بخش نگرشی است. به‌ویژه توصیه به خردگرایی، که شامل مؤلفه‌هایی چون تشویق موقعیت‌شناسی، احتیاط، تجربه‌اندوزی، ضابطه‌مندی، و اعتدال است، هم‌چنین در توصیه به سخت‌کوشی در این تحقیق اساساً بر سعی و تلاش تأکید شده است که این هر دو در راستای تحلیل بعد شناختی و رفتاری قرار می‌گیرند. در صورت تمایل ← مؤید حکمت، ۱۳۸۶، ش ۴.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*، تهران: آن.
- آندری یوا، النا (۱۳۸۸). *روسیه و ایران در بازی بزرگ (سفرنامه‌ها و شرق‌گرایی)*، ترجمه الهه کولایی و محمد کاظم شجاعی، تهران: دانشگاه تهران.

۱۳۲ درآمدی بر شناسایی نگرش‌های بارز فرهنگی در گزیده‌های از ...

- اتکینسون، ریتال، ریچارد اس. اتکینسون، و ارنست هیلگارد (۱۳۷۰). *زمینه روان‌شناسی*، ج ۲، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، تهران: رشد.
- اتوکلاين برگ (۲۵۳۵). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۲، تهران: نشر اندیشه.
- اسدی، علی (۱۳۵۳). *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارش یک نظر خواهی ملی در سال ۱۳۵۳*، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱). «ایرانی کیست؟ ایران و ایرانیان در گذرگاه تاریخ»، *ایران فردا*، س ۱، ش ۵.
- افشار، ایرج (۱۳۶۹-۱۳۷۴). *فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی*، ج ۴ و ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی، امیرقلی (۱۳۵۰). *فرهنگ عوام*، تهران: بینا.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۸۲). *چرا عقب مانده‌ایم؟ جامعه‌شناسی مردم ایران*، ج ۲، تهران: نشر علم.
- بیمن، ویلیام (۱۳۸۱). *زبان، منزلت و قدرت در ایران*، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی.
- پیران، پرویز (۱۳۸۵). «هویت ملی جامعه ایران»، در *گفت‌وگو با نشریه چشم‌انداز ایران*، ش ۴۰-۴۱. جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۵). *خلقیات ما ایرانیان*، آلمان: نوید.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهش فرهنگ هنر و ارتباطات.
- دبیرسیاقتی، سیدمحمد (۱۳۵۸). *گزیده امثال و حکم*، تهران: فرهنگ و آموزش عالی و سازمان یونسکو.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). *امثال و حکم*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- رابرتسون، ایان (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ربر، آرتور اس. (۱۳۹۰). *فرهنگ روان‌شناسی توصیفی*، ترجمه دکتر یوسف کریمی و دیگران، تهران: رشد.
- رضاقلی، علی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی*، تهران: نشر نی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۳). *ما چگونه ما شدیم*، ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران، تهران: روزنه.
- شاملو، احمد (۱۳۵۷). *کتاب کوچک*، تهران: مازیار.
- شهری (شهری‌باف)، جعفر (۱۳۷۰). *قند و نمک: ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره*، تهران: اسماعیلیان.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- علمداری، کاظم (۱۳۷۹). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟* تهران: گام نو.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۰). «دو قرن چالش توسعه و دموکراسی در ایران»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۷۱-۱۷۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). «درباره نیمرخ رفتار ایرانی» (سنخ‌شناسی مدل‌ها)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، ش ۱، ویژه همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران.
- فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

- قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸). *خودمداری ایرانیان*، تهران: اختران.
- قانع‌راد، محمدمبین، فریده قاسمی‌پور (۱۳۸۱). «عوامل هنجاری و سازمانی مؤثر بر میزان بهره‌وری اعضای هیئت علمی»، *مجله نامه پژوهش*، س ۷، ش ۴.
- قنادان، منصور و ناھید مطیع، هدایت‌اله ستوده (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی، مفاهیم کلیدی*، تهران: آوای نور.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۴). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کرپندروف، کلوس (۱۳۸۸). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: روش.
- کوئن، بروس (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران*، تهران: زهد.
- محمدی، بیوک و همکاران (۱۳۸۱). *بررسی نقش عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۲). «غش در پژوهش»، *مجله آینه پژوهش*، س ۱۴، ش ۸۴.
- مؤیدحکمت، ناھید (۱۳۸۶). «ارزش‌های بارز فرهنگی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی»، *نامه فرهنگستان*، دوره نهم، ش ۴.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*، ۲ جلد، تهران: نیلوفر.
- نراقی، حسن (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خودمانی*، نقش ما در آئینه، تهران: اختران.
- هولستی آل. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، تهران: دفتر طرح‌های ملی.

- Calhoun, Craig J., Donald Light, & Suzanne Infeld Keller (1994). *Sociology*, 6th (edn.), New York: Mc Grow Hill.
- Hofstede, Geert h. (2001). *Culture's Consequences: Comparing Values Behaviors Institutions and Organizations Across Nations*, 2nd (edn.) Calif: Sage.
- Inglehart, Ronald, Christian Welzel (2005). *Modernization, Cultural Change and Democracy*, Cambridge: Cambridge University.
- Lerner, Daniel (1965). *The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East*, New York: Free Press of Glencoe.
- McClelland, David (1963). "National Character and Economic Growth in Turkey and Iran in Communication and Political Development" in Lucian W. Pye (ed.), *Communications and Political Development*, Princeton University Press.
- Said, Edward (1978). *Orientalism: Western Conception of the Orient*, Harmons worth: Peguinbooks.

۱۳۴ درآمدی بر شناسایی نگرش‌های بارز فرهنگی در گزیده‌ای از ...

- Sudman, Seumour (1982). *Asking Questions: A Practical Guide to Questionnaire Design* (Social & Behavioral Science Series), California: Jossey Bass Inc Publishers.
- Scott, John & Gordon Marshall (2005). *A Dictionary of Sociology*, 3rd (edn.), Oxford: Oxford University Press.

منابع دیگر

کریمی، یوسف (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

- Inkeles, Alex & David Horton Smith (1974). *Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries*, Boston: Harvard University Press.
- Inkeles, Alex (1966). "The Modernization of Man", in Myron Weiner (ed.) *Modernization: The Dynamics of Growth*, New York: Basic Books.

